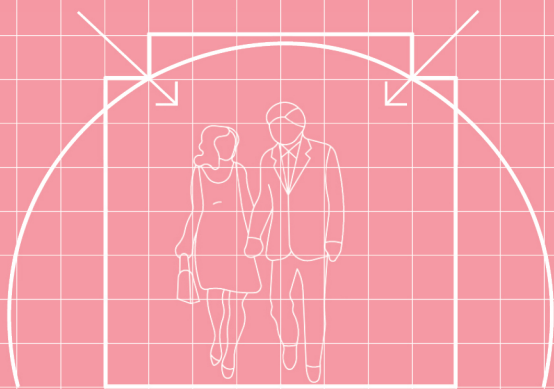


طراحی داخلی

بنیان مفهومی

آنتونی سالی / ترجمه‌ی آزاده فرزادپور



طراحی داخلی

بنیان مفهومی

آنتونی سالی

ترجمہی آزادہ فرزادپور
(عضو ہیئت علمی دانشگاه هنر)

انتشارات تخصصی هنر،
معماری و شهرسازی

کتابکدکسری

Sully, Anthony

سالی، آنتونی
بنیان مفهومی طراحی داخلی / آنتونی سالی؛ ترجمه‌ی آزاده فرزادپور.
مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۸.
۲۲۴ ص.: مصور (رنگی).
شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۰۳-۹

Interior design : conceptual basis, c2015.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

Interior decoration

یادداشت: عنوان اصلی:

Interior decoration -- Handbooks, manuals, etc

موضوع: تزئین داخلی

موضوع: تزئین داخلی -- دستنامه‌ها

شناسه افزوده: فرزادپور، آزاده، ۱۳۶۲-، مترجم

NK۲۱۱

رده بندی کنگره:

۷۴۷

رده بندی دیویی:

۵۸۷۱۳۲۶

شماره کتابشناسی ملی:



کتابکده تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

بنیان مفهومی طراحی داخلی آنتونی سالی

ترجمه: آزاده فرزادپور
(عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

ویراستار: غزل کوچانی

صفحه‌آرایی: منا گندمکار

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۰۳-۹

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱ ۳۷۶۷۰۰۱۹

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات کتابکده کسری محفوظ است. هرگونه تصویربرداری و تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از کتاب ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

مرکز پخش: کتابکده کسری

تلفن: ۰۵۱ ۳۸۴۳۵۵۳۱ همراه: ۰۹۱۵ ۵۱۲ ۴۲۱۹

متن پیش رو، برگردان دومین تألیف آنتونی سالی^۱ با عنوان اصلی Interior Design: Conceptual Basis در سال ۲۰۱۵ است. وی نویسنده، مدرس، محقق و طراح داخلی بریتانیایی، این کتاب را به دنبال ساماندهی تحقیقات و مبانی نظری کتاب قبلی‌اش خود با عنوان Interior Design: Theory and Process (۲۰۱۲) نگارش و تدوین نموده است. وی همچنین در ادامه‌ی تحقیقات خود در زمینه‌ی طراحی داخلی، اخیراً تألیف دیگری را با عنوان The Estate House Re-Designed (۲۰۱۸) به رشته تحریر در آورده است.

تلاش مترجم در جستجو و انتخاب منبع جامع و مفهوم‌محور در زمینه‌ی فرایند طراحی داخلی که سؤالات دانشجویان را در خصوص مباحث تئوری و چگونگی روند طراحی داخلی و به کارگیری کانسپت پاسخ دهد، منجر به انتخاب و برگردان این تألیف گردید. عمده‌ی خصوصیات برجسته‌ای که اهمیت برگردان این کتاب را محرز می‌سازد و در این انتخاب نقش داشته‌اند بدین شرح است:

نخست آنکه به لحاظ تازگی موضوع طراحی داخلی، همچنان ابهامات موجود در ضرورت و جایگاه آن، بیش از کشورهای اروپایی و توسعه‌یافته است بنابراین منابعی از این دست که در آغاز کتاب به نقد و بررسی جایگاه، تعریف و مقایسه‌ی عناوین مختلف طراحی داخلی پرداخته‌اند، حائز اهمیت شایان‌اند.

از سوی دیگر بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با طراحی معماری به دلایلی از جمله دلایل اقتصادی، زیست‌محیطی، پایداری، هویت تاریخی و... به بازسازی و یا تغییر کاربری می‌انجامد، همچنین دسته‌ی دیگری از فعالیت‌ها هستند که پس از اتمام سازه و پوسته خارجی یک بنای نوساز صورت می‌گیرند، با این توصیف بدون مردود دانستن درهم‌تنیدگی معماری و طراحی داخلی می‌توان بیان داشت که در این امور بخش مهمی از فرایند طراحی صورت می‌گیرد که به لحاظ تعدد جزئیات، مصالح و رفتارهای انسانی صورت گرفته در آن، خود نقطه‌ی آغازی برای برنامه‌ریزی طراحی است. این بخش تمرکز و تفکری را می‌طلبد که در گستره‌ی فرایند معماری امکان از دست رفتن و یا سهل‌انگاری در آن وجود دارد و روند طراحی معماری به طور کامل به آن پاسخ‌گو نخواهد بود. در این راستا روش «کانسپچوال» آنتونی سالی علاوه بر معرفی روند طراحی داخلی برای فعالیت‌های ذکر شده که

مختص حیطه‌ی طراحان داخلی است، نوعی از تفکر را هم‌راستا با آن در نظر دارد که طراحی هدفمند و با پشتوانه نظری را توصیه می‌نماید و آن را از وجوه فعالیت‌های قراردادی مبرا می‌داند.

هدف اصلی نویسنده از نگارش کتاب، معرفی روشی برای طراحی داخلی با تفکر کانسپت‌محور است که در نوع خود منحصربه‌فرد و تازه است. وی در این روش، کانسپت کلی را به ۷ کانسپت کوچک‌تر تفکیک نموده است. تفکر «کانسپچوال» که نویسنده اذعان می‌دارد به لحاظ بار معنایی چندگانه آن، بهتر است خود واژه به کار رود و از برگردان آن به واژه‌هایی همچون «ایده» و... پرهیز شود، ابزاری را در اختیار طراحان قرار می‌دهد تا ضمن تمرکز بر هر کانسپت به طور مستقل، بتوانند پروسه‌ی طراحی را برنامه‌ریزی کنند و پیوند بین مهارت‌های مختلف و لازم برای طراحی را درک نمایند. همچنین از آنجا که انتظار از این رشته در نهایت به صورت وجوه عینی بروز می‌یابد، نظریه و حرفه در آن به هم گره خورده‌اند. نمونه‌های ارزشمند مرتبط با هر عنوان در جای جای کتاب بیانگر این رابطه و هماهنگی است و خواننده را در درک این پیوند به خوبی راهنمایی می‌نماید.

در پایان با اشاره به کمبود منابع مبانی نظری با تمرکز ویژه بر طراحی داخلی، امید است این ترجمه علی‌رغم تمام کاستی‌ها، با تعدد منابع نظری معرفی شده در پانوشته‌ها، راهنمایی باشد برای طراحی داخلی متفکرانه و مفهوم‌گرا.

آزاده فرزادپور

تابستان ۱۳۹۸

بازطراحی فضاهای موجود، معمارانه یا غیرمعمارانه، با هدف سازگاری با نیازهای زندگی امروز، راه‌حلی کاملاً خوش‌بینانه، قابل احترام و مورد توجه برای پیشبرد زندگی است. سال‌هاست که طراحان داخلی بر «باز آفرینی» فضاهای بلااستفاده و قدیمی تمرکز کرده‌اند و هیچ رشته طراحی دیگری وجود ندارد که بدین طریق، به‌طور کامل، بر احیاء این فضاها تمرکز نماید.

«طراحی داخلی» نیز همانند بسیاری از رشته‌های طراحی با رنگ، شکل، بافت، نور، فضا، جنس، مد، سازه، صدا، فناوری، محیط و محتوا در ارتباط است. تمرکز این رشته «بر بازآفرینی فضا» آن را قادر می‌سازد تا به بررسی وجه اشتراک رشته‌های گوناگون، از معماری و منظر گرفته تا رشته‌های مربوط به محیط مصنوع، طراحی میلمان، طراحی لوازم، طراحی محصول و طراحی پارچه، بپردازد. رسالت این رشته یافتن راهکارهایی برای بهینه‌سازی و جان‌بخشی به فضاست؛ اینکه فضاهای ما چگونه باید در ارتباطات انسانی به نیازهای کنونی ما پاسخ دهند، یعنی همان راهکار ارزشمند، خوش‌بینانه، جالب و قابل احترام برای گذران زندگی...

این کتاب در ادامه‌ی کتاب دیگر نویسنده، «نظریه و فرایند در طراحی داخلی»^۱ است و با هدف ترغیب دانشجویان و استادان به ژرف‌نگری درباره‌ی موضوع طراحی و کاوش آن با تفکر «کانسپچوال»^۲ بنیادین در هنگام برنامه‌ریزی طرح، تدوین شده است. وی باور دارد که درک عمومی از یک «کانسپت اصلی»^۳ به‌عنوان جمع‌بندی جدول نیازها و مطالعات طرح داخلی، نیازمند بازنگری است. نویسنده، این کانسپت کلی را به هشت کانسپت جزئی تفکیک می‌نماید که هفت کانسپت آن شکل‌دهنده اساس این کتاب هستند. وی حین به چالش کشیدن هنجارهای پذیرفته‌شده درباره‌ی روند طراحی، ظریف‌ترین ابعاد فرایند طراحی یعنی «تفکر به صورت کانسپچوال» را به شکلی قابل فهم و روشن شرح داده است. به‌طور مثال، وی به‌منظور درک ویژگی‌ها و خواص رنگ‌ها و مصالح، طراحان را به جداسازی آنها از هم تشویق می‌نماید و درعین حال، درجات مختلف پیوند یا هم‌پوشانی بین هر مفهوم را نیز تأیید می‌نماید.

1 Interior Design: Theory and Process

۲ از آنجا که واژه‌ی concept در معماری معنایی واحد نداشته و مفهومی است که نیاز به توضیح دارد، در این کتاب از ترجمه‌ی این واژه خودداری شده و در بخش مقدمه مفهوم آن به تفصیل شرح داده شده است.

3 Major Concept

طراحی مطلوب نه تنها از ارائه محصول طراحی نمایان می‌گردد، بلکه با کمک احساس فضایی ما در لحظه‌ای از زمان، به کمک سلسله‌ای از رخدادها و به دست افراد مشخصی که به دلیلی واحد دور هم جمع شده‌اند، درک می‌شود. طراحان باید مانند کارگردانان فیلم که استعدادهای افراد زیادی را گرد هم می‌آورند تا به اثری واحد دست یابند، عمل کنند. آنها باید به صورت گروهی و هماهنگ کار کنند و این کتاب بینش سودمندی را در مورد این فرایند به تمام افراد درگیر در فرایند طراحی، دانشجویان، استادان، دانشگاهیان و کارفرمایان درگیر با طراحی ارائه می‌دهد. کتاب‌هایی درباره‌ی تئوری معماری داخلی کیمیا هستند و باید به آنتونی سالی^۴ برای تألیف آخرین کتابش تبریک گفت.

جولین پاول – تاک^۵

مارس ۲۰۱۵

4 Anthony Sully

5 Julian Powell-Tuck

در رشته‌ی طراحی داخلی دو زمینه‌ی عمده وجود دارد که به نظر می‌رسد فاصله‌ی میان آنها به تدریج بیشتر می‌شود: از یک سو، حرفه و بازار کار طراحی داخلی و از سوی دیگر، تحصیلات و آموزش آن. در پی پیشرفت فناوری، حرفه‌ی طراحی داخلی رو به جلو حرکت می‌کند، به سوی افزایش محصولات جدید پیش می‌رود و حتی به عنوان زیر مجموعه‌ی معماری، دستی هم در آن کار دارد. البته در این میان شیوه‌ی مدرنیست^۱ را داریم که غلبه و برتری همیشگی آن، نه تنها در آموزش که در کار حرفه‌ای نیز محدودیت‌هایی را ایجاد می‌نماید.

در دنیای حرفه‌ای، «دکوراتورهای داخلی»^۲ عمدتاً در زمینه‌ی مسکن کار می‌کنند و شیوه‌ی کاملاً متفاوتی را نسبت به بیشتر طراحان بازاری، دنبال می‌نمایند. «طراحی داخلی»^۳ فعالیتی است که شامل ساخت و ساز، چیدمان، خدمات ساختمان و تزیینات می‌شود. طراح داخلی مسئولیت تمام این امور را بر عهده دارد. وی ممکن است هنرمندان و صنعتگران متخصصی را به کار گیرد و با مهندسان، فروشندگان مبلمان و دکوراتورها قرارداد ببندد. گستره‌ی کار طراحی داخلی اغلب زمینه‌های تجاری، فروشگاه‌ی، مسکونی، آموزشی، ورزشی، سرگرمی، ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها، هتل‌داری، پزشکی، شهری و غیره را شامل می‌گردد. گروه خاصی از دکوراتورها خود را «دکوراتور داخلی» نامیده‌اند و نقش یک گروه مشاور مستقل را پذیرفته‌اند؛ در حالی که عمدتاً بر بخش مسکن تمرکز دارند و معمولاً درگیر ساخت و ساز نمی‌شوند.

همچنین نوع خاصی از «معماران داخلی»^۴ (واژه‌ای که در اروپا شناخته شده‌تر است تا در بریتانیا) را داریم که عنوانشان در کتاب «نظریه و فرایند در طراحی داخلی» به چالش کشیده شده است. «طراحی داخلی» واژه‌ی تخصصی متداول‌تری است و یکی از واژگانی است که در ادامه از آن استفاده خواهیم کرد. کار حرفه‌ای در این زمینه به واسطه پیشرفت‌های تازه، محصولات جدید و همچنین راه‌حل‌های طراحی جسورانه برگرفته از کاوش‌های تجربی طراح و نیز به دنبال پاسخ‌گویی

به خواسته‌های مصرف‌کنندگان به حیات خود ادامه می‌دهد. همچنین تمام دست‌اندرکاران صنعت طراحی، قوانین اعمال‌شده از سوی مسئولین و «مسائل سبز» (مسائل تأثیرگذار بر محیط‌زیست) را می‌پذیرند تا طبق رهنمودهایی عمل کنند که در آینده به نفع بشریت باشد و اشتباهات گذشته را جبران کند. مسئله‌ی دیگری که مطرح می‌گردد، نارضایتی بسیاری از کارفرمایان درمورد بی‌کفایتی بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاهی در کار حرفه‌ای و فاصله دروس دانشجویان از واقعیت است، دروسی که آنها را به اندازه کافی برای کار حرفه‌ای آماده نمی‌کنند.

بخش دانشگاهی در رویارویی با دانشجویان وظیفه‌ی بسیار دشواری دارد. آنها از یک سو به استادان مجرب و مشغول در حرفه برای تدریس و انتقال تجربیات با ارزششان نیاز دارند و از سوی دیگر، نیازمند تعلیماتی هستند که ذهن دانشجویان را پرورش دهند و اکتشافی و خلاق باشند. استادان تمام وقتی که دروس را مدیریت می‌کنند، معمولاً عضو کادر دانشگاهی هستند و استادان مدعوی که به صورت پاره‌وقت کار می‌کنند، رویکرد حرفه‌ای و عملی را در پیش می‌گیرند؛ چرا که آنها در کار حرفه‌ای نیز مشغول به کارند.

همچنین در سال‌های اخیر شاخه‌های جدیدی در این رشته شکل گرفته‌اند که برخی از آنها هنوز به صورت واحد در نیامده‌اند و به نظر تهدیدی برای تشخیص نقش حرفه‌ای طراح به حساب می‌آیند.

این رشته‌های جدید تحت عناوینی نظیر اندیشمند طراحی^۵، دانشمند رفتاری^۶، تحلیل‌گر سیستم^۷ و روان‌شناس اجتماعی^۸ قرار می‌گیرند. با وجود برخی کارهای ارزشمند که در این زمینه‌ها صورت گرفته‌اند، تأثیر بی‌مورد این رشته‌ها به گونه‌ای است که نقش طراح را در اختیار خود می‌گیرند. این رشته‌ها به دلیل انتقاد از روشی که طراحان در گذشته در آن زمان زیادی را صرف زیبایی‌شناسی می‌نمودند و کمتر به نیازهای کارفرما یا کاربر می‌پرداختند، مورد استقبال صنعت قرار گرفته‌اند. لذا اینکه تحصیلات ملاک قضاوت نیست، نمی‌تواند صحت داشته باشد؛ چرا که طراحان دانشگاهی می‌آموزند که چطور طراحی با زیبایی‌شناسی، کارکرد و فناوری تلفیق می‌شود و چقدر نیازهای کاربر، در درجه‌ی اول مهم‌اند. حتی دروس دانشگاهی جدیدی از قبیل طراحی خدمات^۹ پدیدار شده است که تعریف ذیل به آن اطلاق می‌شود:

طراحی خدمات عبارت است از برنامه‌ریزی و سازماندهی افراد، فراهم نمودن زیرساخت‌ها، ارتباطات و بخش‌های عمده‌ی یک خدمت به منظور ارتقاء کیفیت آن و تعامل میان ارائه‌دهندگان خدمات و مشتریان.

وقتی صنعت خدمات مورد بحث است، منظور هر نوع خدمتی است که مشتری هزینه آن را پرداخت

5 Design Thinkers
6 Behavioural Scientists
7 Systems Analysts
8 Social Psychologists
9 Service Design

می‌نماید. این خدمات معمولاً به هر دو بخش خصوصی و عمومی اشاره دارد و زمینه‌هایی را از قبیل حمل‌ونقل، تهیه‌ی غذا، فروشگاه‌ی و هتل‌داری در برمی‌گیرد. تا جایی که می‌دانیم این کار تا به حال در حیطه‌ی اختیارات طراحان معماری، طراحان صنعتی یا طراحان داخلی بوده است. به نظر می‌رسد مدیریت ارائه‌دهندگان خدمات از سوی کارفرما به اندازه‌ی کافی در ارائه دستورالعمل‌های لازم به طراحان، خوب و هوشیارانه عمل نکرده است و بنابراین این تمرکز فزاینده به عنوان حرکتی برای بهبود خدمات پدیدار گشته است. به هر حال هر پیشرفت تازه‌ای که در صنعت رخ دهد، محتوای این کتاب هنوز هم باید کاربردی و مفید باشد.

تحصیلات و آموزش طراحان داخلی هنوز هم به شدت در سراسر جهان با هم متفاوت است (سازمان‌های عضو در پیوست فهرست شده‌اند). به یمن وجود دانشگاه‌های خصوصی در اکثر کشورها که بر سر به دست آوردن تقاضانامه‌های دانشجویان خارجی، وام‌های تأمین بودجه یا مشارکت و همکاری با بنیادهای خارجی رقابت می‌کنند، آموزش عالی به تجارتی بزرگ در دنیا تبدیل شده است. همه‌ی اینها به منظور افزایش درآمد دانشگاه مشوق و نیز کمک به دانشگاه‌هایی با مهارت کمتر جهت بهتر بازی کردن در این میدان مسابقه و تبدیل شدن به سرشناسان جهانی آموزش عالی طراحی شده‌اند. پیامد منطقی این داستان همان طور که پیش تر اتفاق افتاده است، این است که عضو کوچک‌تر این شراکت آن قدر به خودی خود قدرتمند و مجهز خواهد شد که در آینده نیازی به خدمات دانشگاه‌های میزبان نخواهد داشت. پروفیسور سر فرگوس میلار^{۱۰} در سال ۲۰۱۳ در نامهای درباره‌ی وضعیت آموزش عالی در بریتانیا به مجله‌ی تایمز چنین نوشت که بخشی از آن را نقل قول می‌کنیم:

به نظر نمی‌رسد که بودجه‌ای برای انجام پژوهشی درخواست شود، بلکه پروژه‌های پژوهشی برای گرفتن بودجه طراحی شده‌اند. مدرسی که باید از طریق تدریس رضایت خاطرش را به دست آورد، اکنون در بهترین حالت، خطر تحقیر به عنوان عضو بدون پژوهش و در بدترین حالت، خطر اخراج شدن را به جان می‌خورد. سیستم فعلی نه تنها برای آموزش که برای خود پژوهش نیز به شدت مضر است.

و نقل قولی دیگر از مقاله‌ی ارائه شده توسط پاتریک هانای^{۱۱} در گردهمایی مربوط به فضاهای داخلی در اسکاتلند در سال ۲۰۰۷:

همان طور که همه می‌دانیم، نسبت تعداد دانشجویان به تعداد استادان به طور چشمگیری بیشتر شده است و این در حالی است که احتمالاً در روش‌های ارائه خدماتمان سخت‌گیرتر نیز شده باشیم؛ اگر بخواهیم صادق باشیم، حداقل در انگلستان و ولز به دلیل افزایش فشار کار به تعداد اندکی از اساتید برای تعداد زیادی از دانشجویان، شاهد کاهش و از بین رفتن محتوا و مفهوم مطالب درسی بوده‌ایم. در حالی که فضای آتلیه‌های در دسترسمان نیز کمتر شده است.

10 Sir Fergus Millar

11 Patrick Hannay, *A Regulated Irregularity*, Paper at Interiors Forum Scotland, 2007.

این موضوع انگیزه اصلی مقاله «تاهمخوانی تنظیم شده» پاتریک هانای است که در سال ۲۰۰۷ در گردهمایی درباره فضای داخلی در اسکاتلند ارائه شد. وی سابقاً مدیر برنامه‌ریزی درس معماری داخلی دانشگاه ولز در کاردیف بود و در حال حاضر سردبیر مجله تاجستون است.

طی سال‌ها، بودجه‌های سازمانی به ضرر تحصیلات دانشجویان به مقدار زیادی کاهش یافته است. غم‌انگیزتر اینکه دنیای حرفه‌ای در مورد کیفیت تحصیلات فارغ‌التحصیلان انتظارات بالایی دارد اما به نظر نمی‌رسد هیچ حرکت متقابلی از کمک مالی برای تأمین بودجه دروس طراحی ما وجود داشته باشد. بی‌شک در این رابطه انتظاراتی وجود دارد، نمونه‌ی بارز آن محوطه دانشگاهی جدید دانشکده راونس‌بورن است که مجاور با ورزشگاه آرن‌ا ۰۲ در جنوب شرقی لندن ساخته شده است. صرف‌نظر از منابع تأمین بودجه‌ی نهادی معمول، این دانشکده می‌تواند بودجه‌ی خصوصی را از صنایع رسانه‌ای به‌دست آورد که به آنها خدمات ارائه می‌دهد. در بریتانیا گرایش‌های «هنر و طراحی» سابقاً در دانشکده‌های مستقل هنر تدریس می‌شدند و بسیاری از این دانشکده‌ها در شهرستان‌هایی تأسیس شده بودند که دارای صنایع محلی با قابلیت حمایت از آنها بودند. به‌طور مثال، دانشگاه هنر و طراحی استافوردشایر از کارخانه‌های سفال‌گری همان محل، دانشکده هنر ناتینگهام (دانشگاه ترنت ناتینگهام فعلی) از صنعت توردوزی و نساجی شهر ناتینگهام، دانشگاه استوربریج از صنعت شیشه‌سازی، دانشگاه منچستر از صنعت پنبه، دانشگاه لستر از صنعت جوراب، دانشگاه بیرمنگام از صنعت کارهای فلزی، دانشکده هنرهای ویکمب (دانشگاه جدید باکینگهام شرقی) از صنعت مبلمان، دانشکده کیدرمینستر از صنعت فرش، دانشگاه کاونتری از طراحی حمل‌ونقل (صنعت ماشین) و غیره حمایت می‌کردند. امروزه این چشم‌انداز تغییر کرده و برخی از این صنایع در حال از بین رفتن است. درحالی‌که صنایع جدید به سبب انقلاب دیجیتالی در حال ظهورند.

هر فصل از این کتاب به یکی از هفت کانسپت از هشت کانسپت ذکر شده در مقدمه می‌پردازد. ترتیب این مفاهیم قاعده‌ی خاصی ندارد، چرا که محدودیت برای اصل خلاقیت که بدون کنترل یا طرح‌ریزی به وجود می‌آید، نتیجه خلاف انتظار خواهد داشت. این کتاب به‌عنوان راهنما در نظر گرفته شده است، لیکن امیدواریم بتواند الهام‌بخش نیز باشد. درباره‌ی اینکه کانسپت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند، باید تأکید کنیم که فرایند طراحی یک فرایند کاملاً خطی نیست، بلکه می‌تواند بنابر شرایط مختلف و یا حتی کم‌ارزش از این قاعده تخطی نماید. این فرایند همان‌طور که باید غیرقابل پیش‌بینی نیز هست، چرا که خروجی آن نامشخص است، اما باید کشف شود و این یعنی نوآوری.

قسمت هیجان‌آور طراحی همین است: «هیچ چیزی قابل پیش‌بینی نیست». به‌نظر می‌رسد بخش اعظمی از طراحی‌های نامطلوب در این زمره قرار می‌گیرند و احتمالاً ثمره روش‌هایی تکراری هستند که کانون توجه اصلی‌شان به‌دست آوردن منفعت مالی به قیمت از بین رفتن کیفیت است. بعدها در این کتاب به دیدگاه طراحان در مورد راهکارها اشاره خواهیم کرد که می‌تواند محرک اولیه برای ورود به مبحث فرایند طراحی باشد. دیدگاه‌های فراوانی وجود دارند که به فضا یا استفاده از مصالح خاص یا شیوه‌های دسترسی یا رنگ و نور و غیره پرداخته‌اند. این دیدگاه‌ها به شکل‌گیری هر یک از کانسپت‌های این کتاب کمک می‌کنند. این کتاب از تعاریف، پیشنهادات، طبقه‌بندی و تحلیل‌ها تشکیل شده است و در برخی قسمت‌ها در جهت وضوح مطالب ارائه‌شده یا بیان موضوعات خاص،

نمونه‌هایی از محصولات و یا فضاهای داخلی ارائه شده است و نمودارها و تصاویری نیز به منظور کمک به شفافیت موضوع ترسیم گردیده‌اند.

کتاب «هفت مشعل معماری» جان راسکین در سال ۱۹۰۷ می‌تواند با هفت کانسپت این کتاب به طور تقریبی به شکل زیر تطبیق داده شود:

هفت کانسپت (این کتاب)	هفت مشعل (راسکین)
گردش حرکت - راهنمایی مردم	ایثار - دربارهی بخشش
نورپردازی - روشن‌سازی مسیر	حقیقت - صداقت
طراحی پلان - قویاً زیبا	قدرت - استعداد، مسئولیت
رنگ	زیبایی
مصالح - یافتن و شکل دادن به آن	زندگی - دربارهی مردم، احساس
ساخت‌وساز - بر اساس تجربه گذشته	خاطره - تاریخ، عادات
سه‌بعدی - ارائه به مشتری	اطاعت - وظیفه

۱ کانسپت طراحی پلان

- ۱-۱ زمینه‌ی اصلی بحث: سازماندهی فضا، جداره‌ها، مبلمان و تجهیزات با کلید واژه‌ی هندسه ۲۸
- ۲-۱ مرحله‌ی اول: دیاگرام‌های حبابی ۲۹
- ۳-۱ مرحله دوم: ساختار طراحی کلی پلان ۳۰
- ۴-۱ مرحله سوم: بخش‌بندی، مبلمان و تجهیزات در فضاها داخلی ۳۵
- ۵-۱ ترسیم؛ نقطه‌ی آغاز طراحی ۳۹
- ۶-۱ جداره‌ها و سیر حرکت ۴۳
- ۷-۱ مطالعه‌موردی ۱: سیر حرکت ۴۵
- ۸-۱ لایه‌ها ۴۵
- ۹-۱ جانمایی اشیاء، جهت‌گیری و تعیین موقعیت مکانی ۴۷
- ۱۰-۱ مطالعه‌موردی ۲: پارک آردمور ۴۸
- ۱۱-۱ مطالعه‌موردی ۳: دفتر مرکزی شرکت فولاد چین ۵۰
- ۱۲-۱ طراحی پلان سه‌بعدی. شامل شکل جداره‌ها و عملکردهای مبلمان داخلی و تجهیزات ۵۳
- ۱۳-۱ سرچشمه‌ی کانسپت‌های سه‌بعدی در فضا ۵۷
- ۱۴-۱ مطالعه‌موردی ۴: داروخانه پلاسیو ۵۸

۲ کانسپت گردش حرکتی

- ۱-۲ زمینه‌ی اصلی بحث: انتخاب‌های گردش حرکتی با کلیدواژه‌ی دسترسی به مسیر ۶۲
- ۲-۲ انتخاب‌های گردش حرکت افقی ۶۵
- ۳-۲ انتخاب‌های گردش حرکت عمودی ۶۹

۳ کانسپت شکل حجمی

- ۱-۳ زمینه‌ی اصلی بحث با کلید واژه‌ی مدل‌سازی ۷۶
- ۲-۳ اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی شکل حجمی ۷۶
- ۳-۳ سلسله مراتب تجسم ۷۸
- ۴-۳ کانسپت شکل حجمی به عنوان هویت بنا ۸۱
- ۵-۳ منشأ شکلی احجام هندسی پایه ۸۲
- ۶-۳ مجموعه‌ی اشکال ۸۳
- ۷-۳ اتصالات و تلاقی سطوح ۸۷
- ۸-۳ تلاقی جداره‌ها ۸۸
- ۹-۳ پیش‌آمدگی در گوشه‌ها ۸۹
- ۱۰-۳ گسترش فضای داخلی یکپارچه ۹۳

- ۱۱-۳ فرم آزاد
۱۲-۳ آیا فضای داخلی از هم گسسته مینیمالیستی محسوب می شود؟
۱۰۳ ۱۱۱

۴ کانسپت ساخت

- ۱-۴ زمینه‌ی اصلی بحث با کلیدواژه‌ی ایجاد
۲-۴ نحوه کنارهم قرارگیری اشیاء
۳-۴ عبارت جدید «سازگاری داخلی»
۴-۴ انتخاب‌های ساخت
۵-۴ اتصال شیء به شیء در مبلمان و تجهیزات داخلی
۶-۴ چه چیزی نمایان است یا دیده می شود؟
۷-۴ شیشه در ساختمان
۸-۴ نمودار جمع بندی از بازیگران اصلی
۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۹ ۱۲۲ ۱۲۶ ۱۳۸ ۱۴۲ ۱۴۲

۵ کانسپت مصالح

- ۱-۵ زمینه‌ی اصلی بحث با کلیدواژه‌ی پوشش نهایی
۲-۵ چه عواملی بر انتخاب تأثیر می گذارند؟
۳-۵ مصالح طبیعی
۴-۵ مصالح مصنوعی
۵-۵ جداره
۶-۵ سازه
۷-۵ پوشش نهایی سطوح- پوشش موجود سازه یا پوشش مجدد
۸-۵ خدمات پشتیبانی (مبلمان و تجهیزات داخلی)
۱۴۶ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۵۰ ۱۵۵ ۱۵۹ ۱۶۳

۶ کانسپت رنگ

- ۱-۶ زمینه‌ی اصلی بحث با کلیدواژه‌ی تأثیر
۲-۶ گستره‌ی انتخاب
۳-۶ چه عواملی بر انتخاب تأثیر می گذارند؟
۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۸

۷ کانسپت روشنایی

- ۱-۷ زمینه‌ی اصلی بحث با کلیدواژه‌ی حال و هوای فضا
۲-۷ روشنایی مصنوعی
۳-۷ روشنایی طبیعی
۴-۷ نمودار جمع بندی مطالب فصل
۱۹۰ ۱۹۲ ۲۰۳ ۲۱۴

جمع بندی

- پیوست
۲۱۷ ۲۱۹

Interior Design Conceptual Basis

Antony Sally

بدون انکار درهم تنیدگی معماری و طراحی داخلی می‌توان بیان داشت که بخش عمده‌ای از فرایند طراحی، درون فضا صورت می‌گیرد. طراحی داخلی تمرکز و تفکری را می‌طلبد که ممکن است در گستره‌ی فرایند معماری ازدست رفته، دچار سهل‌انگاری شده و یا روند طراحی معماری به طور کامل به آن پاسخ‌گو نباشد. علاوه بر این، نیازهای جدید که خود را در مفاهیمی چون شخصی‌سازی، بازطراحی بناهای موجود، و خلق کیفیت‌های داخلی مستقل از ساختمان‌سازی، مؤیدی است بر لزوم تعریف روندهای مستقل برای طراحی داخلی.

روش «کانسپچوال» آنتونی سالی در این کتاب، علاوه بر معرفی روندی برای فعالیت‌های مختص حیطه‌ی طراحی داخلی، نوعی تفکر هم‌راستا با آن در نظر دارد که طراحی هدفمند و با پشتوانه‌ی نظری را توصیه می‌نماید. هدف نویسنده، معرفی روشی است برای طراحی داخلی با تفکر کانسپت‌محور که در نوع خود تازه و منحصر به فرد است. وی در این روش با تفکیک کانسپت کلی به هفت کانسپت کوچک‌تر، نوعی تفکر «کانسپچوال» پایه‌ریزی می‌کند و علاوه بر ایجاد نقطه‌ی آغازی در روند طراحی، ابزاری را در اختیار طراح قرار می‌دهد تا ضمن تمرکز بر هر کانسپت به طور مستقل، بتواند پروسه طراحی را برنامه‌ریزی و پیوند بین مهارت‌های مختلف و لازم برای طراحی را درک نماید.

ISBN: 978-622-6963-03-9



9

786226

963039



شهرسازی
معماری و
کتابخانه تخصصی هنر

اصالت و قیمت این کتاب فقط با هولوگرام اختصاصی «کتابخانه کسری» تأیید می‌شود.